

تاریخچه چنگلکاری در ایران

بشر از ابتدای خلقت که از مواهب طبیعت استفاده می کرده، در مورد جنگل سه مرحله را پشت سر گذاشته است. در مراحل اولیه که زندگی بدوی داشته برای احتیاجات خود به نابود کردن جنگل ها به صورت بی رویه پرداخته، و در مرحله شبانی برای چرای دام و ایجاد زمین زراعتی به قطع درخت اقدام نموده و در آخرین مرحله که اهمیت این سرمایه خدادادی بر آن مسجل شده به بهره برداری اصولی از آن پرداخته است و در این مرحله گاهی احساس نموده که با کاشت درخت و جنگلکاری می تواند اشتباهات گذشته را جبران نماید و یا به دلایل اقتصادی اقدام به جنگل کاری نموده است در کشور ما نیز آئین درخت کاری یکی از سنت های باستانی بوده و حکام ایران فرامینی برای درختکاری و حمایت از آن صادر می کردند. ولی بعد از طی زمان و هجوم طوایف بیگانه به این سرزمین مجالی برای اقدام به این اصل انسانی باقی نمانده، تا آنجا که اقوام بیشماری در طی قرون گذشته از شرق و غرب به تاخت و تاز در این سرزمین پهناور پرداخته اند و بدون هیچ گونه دلسوزی به قطع اشجار اقدام نمودند، شواهد تاریخ نشان می دهد که قسمت عمده ای از مملکت از جنگل پوشیده بوده ولی امروزه آثاری از آن باقی نیست و به استثناء شیب شمالی البرز که از برکت رطوبت دریای خزر برخوردار است، در سایر نقاط ایران کمبود رستنی به معنی واقعی به چشم می خورد حتی در استانهای مرکزی پیشروی کویر به طرف شهرها، عریان بودن خاک مسئله بزرگی است و فرسایش خاک به حد اعلاء صورت می گیرد، در نقاط عاری از جنگل فقط وجود قلمستانهای تبریزی نام جنگل را به

خود می گیرند، و این کشت در ایران از نظر تاریخچه قدمت قابل توجهی دارد، به ویژه آنکه بستر رودخانه ها همیشه محل مناسبی برای قلمستان به حساب می آمده است. مهار کردن کوه ها و جنگلکاری در سطح وسیع همیشه در بوته فراموشی بوده تا اینکه در نیم قرن اخیر درختکاری صورت جدی تری به خود گرفته و با تاسیس سازمانهای مسئول این امر کار خود را آغاز نمود و با نتیجه، بنگاه جنگل ها و سازمان جنگلبانی در گذشته و بالاخره وزارت کشاورزی و سازمان جنگل ها اقدام همه جانبه ای در امر جنگلکاری در ایران صورت داده اند تا اینکه امروزه با وارد نمودن سوزنی برگان سریع الرشد و گونه های مختلف صنوبر جنگلکاری در سطح وسیع انجام شده و همچنین به منظور تثبیت خاک و احداث پارکهای جنگلی و موارد عدیده دیگر باید جنگلکاری عملی گردد، بویژه آنکه سطح وسیعی از مملکت را مناطق استپی و خشک پوشانیده و ایجاد جنگل مصنوعی به منظور متعدد لازم به نظر می رسد، زیرا محصولات جنگلی همیشه جای عمده ای در اقتصاد کشور خواهد داشت.

اصولاً اراضی حاصلخیز همیشه در اختیار کارهای کشاورزی گذاشته می شود و برای جنگلکاری اراضی فقیر انتخاب می گردد و بر حسب معمول زمین های شیب دار را برای این منظور در نظر می گیرند، وجود بادشکن ها برای ایجاد پرده های حفاظت کننده در مقابل شن های متحرک ضرورت دارند، لذا اکنون چند سالی است که مسائل مورد توجه سازمانهای دولتی بوده و دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران در این اقدام مفید نیز سهمی دارد.

هدف جنگلکاری:

در اغلب کشورهای جهان به منظورهای خاصی به عمل جنگلکاری مبادرت می

ورزند و بطور خلاصه هدف ها عبارت اند از:

۱- از نقطه نظر اقتصادی: به منظور تامین چوب صنعتی و سوخت برای اهالی

مناطق که دور از جنگل طبیعی زندگی می کنند این جنگلکاری اغلب به وسیله

سازمانهای دولتی صورت می گیرد.

۲- از نقطه نظر کشاورزی: ایجاد بادشکن ها و همچنین تثبیت خاک به منظور

جلوگیری از فرسایش انجام می پذیرد.

۳- گاه نیز جنگلکاری را به منظور احداث پارک های جنگلی و گردشگاههای عمومی

برای سلامت مردم به وجود می آورند. بطور کلی زمین های مناسب برای

کشاورزی همیشه در اختیار کشاورزان گذاشته می شود و مناطقی را که تا

اندازه ای برای فلاح مناسب نیستند برای جنگلکاری اختصاص می دهند.

بنابراین دشت های حاصلخیز به امر کشاورزی سپرده می شود و زمین های

شیب دار را جهت جنگلکاری در نظر می گیرند. اهمیت جنگل و جنگلکاری بطوری

محسوس گردیده که در تمام نقاط دنیا امروزه برنامه های وسیعی برای تکثیر

آن تدوین می نمایند. بخصوص که در امر کشت سوزنی برگان توجه خاصی

مبذول می گردد، چنانچه در بعضی مناطق دنیا سطح وسیعی به وسیله جنگلکاری پوشیده شده و برای مثال کشت اکالیپتوس در شمال آفریقا؟ و کاج دریائی در مغرب فرانسه را می توان نام برد. در کشور ما ایران فقط چند سالی است که نهضت جنگلکاری به وجود آمده بویژه آنکه به کشت انواع سوزنی برگان اقدام می نمایند، با اینکه کشت مصنوعی درختان جنگلی به منظور ایجاد یک جنگل از دست رفته و یا واکاری نقاط تهی در داخل جنگل صورت می گیرد ولی گاهی هم بدلیل عامل اقتصادی موقعیت ایجاب می نماید تا به منظورهای خاصی از وجود گونه های سریع الرشد استفاده نمایند بنابراین به کشت گونه های مناسب داخلی و خارجی اقدام می کنند در کشور ما جنگل های سرسبز در شیب های شمالی البرز واقع شده اند، ولی در سنوات اخیر به علت بهره برداری های بی رویه از این سرمایه خدادادی قسمت عمده ای از جنگل ها دستخوش نابودی قرار گرفتند و برای ترمیم آن شاید جایز باشد پا را از جنگل شناسی کلاسیک فراتر گذاشته و در روش جنگل شناسی مردن به کاشت گونه های مناسب اقدام نمائیم لذا اکنون باید هدف را مشخص ساخت و آنگاه به انتخاب گونه پرداخت و بعد از اینکه هدف کاملاً مشخص گردید در مرحله دوم انتخاب گونه امری ضروری به نظر می رسد. در مورد گونه های، داخلی تجارب معمولی می تواند به ما کمک شایانی بنماید زیرا شرایط اکولوژیکی طوری بوده که با گونه های داخلی سازگاری پیدا کرده است. ولی در مورد گونه های خارجی

همیشه باید احتیاجات لازم را مدنظر قرار داد، زیرا وارد کردن گونه های خارجی باید با شرایط اقلیم موطن جدید مطابقت داشته باشد تا از آن نتیجه مطلوب حاصل گردد. در امر جنگلکاری با گونه های خارجی مقدماتی لازم دارد که قبل

از اقدام به جنگل کاری باید مراعات گردد، و عبارت اند از:

۱- استقرار کشت مقایسه ای به صورت آزمایش.

۲- مرحله حذف.

۳- مرحله کشت به صورت توده جنگلی.

۴- جنگل کاری با مقیاس بزرگ.

انتخاب گونه

برای انتخاب گونه جنگلی شرایط اکولوژیکی یکی از اصول اساسی به شمار می رود. در امر انتخاب گونه، جنگلی منطقه را باید بررسی کرد، انتخاب گونه های غیر بومی دقت عمل زیادتری می خواهد در برگزیدن گونه باید به خواص ژنتیکی آن توجه خاص داشت، زیرا در بعضی از گونه ها اکوتیپ های مختلفی وجود دارد که هر کدام در شرایط خاصی رشد می کنند و همیشه ناچاریم در انتخاب گونه عوامل دیگری از قبیل حمله حشرات، قارچها، جانوران را نیز در نظر بگیریم، بطور کلی در امر انتخاب گونه عوامل بیشماری دخالت دارند، و در شرایط فعلی انتخاب گونه های سریع الرشد بیشتر مورد توجه می باشد. در واقع در حداقل زمان حداکثر استفاده از آنها حاصل می گردد.

یکی از مسائلی که جنگلبانان با آن مواجه خواهند بود، مسئله جنگلکای توأم با انتخاب گونه می باشد. و همیشه این سؤال پیش می آید که در شرایط اکولوژیکی معینی چه گونه ای را می توان کاشت. اصولاً شرایط محل، مسائل اقتصادی، اجتماعی، و بالاخره زیبایی نیز در راس عوامل محدود کننده برای انتخاب گونه به حساب می آیند.

بنابراین انتخاب گونه های جنگلی باید با دقت صورت بگیرد، زیرا اشتباهات احتمالی بعد از مدت مدیدی ظاهر می شوند و جبران خسارات آنها بسیار مشکل خواهند بود. در انتخاب گونه عواملی را باید مد نظر قرار داد که عبارت اند از:

۱- محل کاشت: انتخاب محل بسیار حائز اهمیت می باشد، این انتخاب لازم است با تقاضای اکولوژیکی گونه نیز مطابقت نماید زیرا محل کاشت باید برای گونه مورد نظر مناسب باشد.

۲- آب و هوا: آمارهای آب و هوایی همیشه دقت لازم را نشان نمی دهد ولی معذالک ایستگاه های هواشناسی می توانند مشخص کننده آب و هوای ناحیه ای باشند، بررسی اقلیم حیاتی می تواند ما را در امر تشخیص حوزه های آب و هوایی و تطبیق آن با رستنی ها یاری نماید در یک منطقه نیز باید نقاطی را که شرایط آب و هوایی خاص دارند تشخیص داد. در صورت امکان تعیین میکروکلیم نیز حائز اهمیت می باشد. گاهی اتفاق می افتد که بادهای شدید در یک ناحیه عامل محدود

کننده گونه به حساب می آیند، وجود سفره آب زیرزمینی و عامل درجه حرارت را نمی توان اغماض نمود.

۳- زمین شناسی و خاک:

از نظر زمین شناسی سنگ مادری نیز عاملی به شمار می آید و نوع خاک عامل محدود کننده شمرده می شود. در جنگلکاری یک ناحیه نقشه های زمین شناسی و خاک شناسی کمک شایانی خواهند نمود. رطوبت خاک و جنس آن نیز در سرنوشت انتخاب گونه برای جنگلکاری دخالت دارند. گاه خاک زیاد از حد رطوبت داشته و احتیاج به زهکشی خواهد داشت.

عمق خاک نیز موثر است، شوری خاک باید در نظر گرفته شود، زیرا عامل محدود کننده در انتخاب گونه می باشد. بنابراین مشاهده می شود که عوامل متعدد اکولوژی بستگی کامل در انتخاب گونه خواهند داشت.

۴- عامل حیاتی:

در جنگل کاری یک ناحیه حیوانات موجود در منطقه باید مطالعه گردند زیرا همیشه خساراتی بوسیله جوندگان حاصل می شوند- و عوامل قارچی نیز باعث خسارات فراوان می شوند.

۵- رستنی:

وجود رستنی ها اصولاً معرف شرایط اکولوژی و آب و هوای ناحیه خواهد بود تهیه نقشه گیاهی کمکی برای انتخاب گونه است گاه رستنی های موجود می توانند از گونه کاشته شده حمایت نمایند. و نیز گاهی مانع رشد گونه های جنگل می باشند سرانجام خساراتی را که از دود و سوخت کارخانجات حاصل می شوند باید در نظر گرفت و در این مورد سوزنی برگان از پهن برگان خزان کننده حساس ترند.

بررسی اقالیم و تطبیق آن با کاشت رستنی:

در مورد کاشت گونه های جنگلی اصولاً باید اقلیم محل مبداء با آب و هوای ناحیه ای که گونه را در آن می کاریم مطابقت داشته باشد بنابراین موارد زیر را باید در نظر گرفت.

۱- باران متوسط سالیانه و تقسیم باران در فصول سال، آمارهای آب و هوایی، تگرگ، برف، روزهای ابری باید ثبت گردد.

۲- درجه حرارت متوسط سالیانه، و درجه حرارت مطلق، تغییرات روزانه درجه حرارت را باید ثبت نمود.

۳- قابلیت نفوذ خاک: ساختمان خاک، سنگ مادری، جنس خاک اسیدیته خاک را در نظر گرفت لذا بررسی اقالیم حیاتی می تواند در این مورد ما را یاری نمایند.

انتخاب نژاد، واریته:

در گذشته برای انتخاب گونه به نژاد و یا واریته های مختلف توجهی نمیشده است. ولی امروزه در انتخاب گونه در مورد اکوتیپ های مختلف نیز دقت می نمایند. زیرا

بعضی از گونه ها اصولاً دارای تنه مستقیم بوده بنابراین مطالعه در این مورد برای جنگلکاری بسیار ارزنده خواهد بود. لذا انتخاب گونه از مبداء که دارای مشخصات اقلیم مقصد را برای کاشت داشته باشد کافی نیست بلکه وارسته مناسبی که کاملاً مساعد کشت باشد باید انتخاب گردد. گاهی ضرورت ایجاب می کند که تغییرات یک گونه را در داخل گسترشگاه آن در نظر بگیریم و حتی بذوری را که برای جنگلکاری لازم است باید آزمایش نمود. این آزمایشات در اغلب ممالک صورت گرفته است. به طور کلی تامین بذر و وارد نمودن آن از خارج یک مسئله مهم تلقی می گردد. زیرا باید نیروی سبز شدن، قوه نامیه و ارزش کاشت آنها را مطالعه نمود. برای وارد کردن گونه های خارجی در گذشته بدین منوال عمل شده که ابتدا یک یا چند گونه را در باغ بتانیک می کاشتند و بعداً توجه خاص بدان قطعه مبذول می شد و بعد از نتایج مثبت اقدام به جنگلکاری بزرگ می نمودند. ولی با حصول موفقیت هنوز نمی توان ادعا نمود که بعد از مدتی خواص چوب بدست آمده مطابق خواص چوب موطن اصلی گونه می باشد. لذا در وارد کردن گونه های خارجی دقت زیادی لازم خواهد بود.

استفاده از وسائل مکانیکی در نهالستان:

در گذشته به علت ارزانی دستمزد از وجود کارگر به عنوان اجرای عملیات در نهالستان استفاده می شده ولی امروزه بیشتر از وسایل مکانیکی بهره برداری می

گردد. بخصوص در نهالستانهای بزرگ و دولتی اغلب کارها موتور ریز شده و برای بهره برداری میلیونها نونهال از وسائل ماشینی استفاده می کنند. تراکتهای متعددی به منظور کار در نهالستان ساخته شده که اغلب آنها در زراعت مکانیزه نیز قابل استفاده می باشد.